

تأثیر پذیری تروریسم از شکاف های اجتماعی در جنوب شرق ایران

دکتر یاسر اسماعیل زاده^۱

۱- عضو هیأت علمی وزارت علوم تحقیقات و فناوری

چکیده

امروزه مطالعات تروریسم به یک امر مبتلابه نظام بین المللی مبدل گردیده است. تروریسم به مثابه یک مسئله مهم، متأثر از متغیرهای بنیادین و ریشه ای است که یکی از این متغیرها، گسل ها و شکاف های اجتماعی بوده است. در ایران نیز شکاف های اجتماعی در انواع و گونه های مختلف بر ظهور رادیکالیسم بسیار تأثیر گذار بوده است. هدف این پژوهش سنجش تأثیر شکاف های اجتماعی در جنوب شرق ایران بر روی تروریسم و فعالیت های رادیکالیستی خشونت بار بوده است. بنابراین سوال اصلی این عبارت است که تروریسم در منطقه جنوب شرق ایران به چه میزان متأثر از شکاف های اجتماعی بوده است؟ مقاله حاضر با استفاده از روش ترکیبی (کمی-کیفی) در صدد است داده های کتابخانه ای، اسنادی، مصاحبه های ساختارمند را تجزیه و تحلیل نماید و سپس به برآیندی چارچوب مند در موضوع پژوهش نائل آید. برآیند و جمع بندی گویای این بحث است که ریشه بسیاری از فعالیت های خشونت بار تروریستی و بروز و ظهور رادیکالیسم در جنوب شرق ایران، نهفته در متغیر شکاف های اجتماعی بوده که شایسته است تا تصمیم گیران و حکمرانان به منظور نیل به امنیت پایدار و توسعه به مرتفع شدن بسترهای خشونت و ترور توجه کنند.

کلمات کلیدی: افراط گرایی، تروریسم، شکاف های اجتماعی، جنوب شرق، سیستان و بلوچستان.

۱. مقدمه

مطالعات نشان می دهد که تعارضات متنوع موجود میان گروه های قومی یا موازی شدن شکاف های مختلف قومی با مذهبی و زبانی تأثیر بسزایی در میزان ثبات یا بی ثباتی کشورها دارد. باید گفت بخش هایی از ایران و در مورد مطالعاتی این مقاله، جنوب شرق کشور دارای شکاف های متراکمی است که در صورت فعال شدن این شکاف ها عرصه سیاست و جامعه به خشونت کشانده می شود. یکی از شکاف های متراکم ناشی از اقلیت های قومی و مذهبی در کشور

¹Email: esmailzadehyaserpolitics@gmail.com

است. (آفاخانی، ۱۳۹۳: ۲۱) در این بین در ادبیات مطالعات منازعه، تروریسم و افراط‌گرایی بیش از هر چیز، پرداختن به بسترها، علل و ریشه‌های بروز خشونت سیاسی اهمیت و ضرورت دارد.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از گرانیگاه‌های مناسبات قدرت در منطقه با مسئله دامنه دار و مزمن تروریسم مواجه بوده است. (خاتونی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱۲) در ایران، مناطقی که گریبانگیر تنوع قومی-مذهبی و سایر گسل‌های اجتماعی بوده، بستر هموارتری برای نیل به افراط‌گرایی قومی-مذهبی و تروریسم خشونت بار داشته است. یکی از مناطقی که در طی دهه‌های اخیر همواره آغشته به مسئله تروریسم بوده، منطقه جنوب شرق (استان سیستان و بلوچستان) است. این استان در چند دهه اخیر، با فراز و فرودهایی درگیر دو چالش اصلی ناهمگونی قومی و فقدان تعادل در مؤلفه‌های مذهبی مواجه بوده است. همچنین اقسام شکاف‌های اجتماعی در این استان در قالب‌های مختلف بروز و ظهور کرده است. به نظر می‌رسد که تروریسم در این منطقه محصول شکاف‌های اجتماعی متنوعی است و ابعاد عینی و ذهنی متعددی دارند. پژوهش حاضر در کنار اینکه عوامل عینی تروریسم را مورد بررسی قرار داده است؛ اما تأکید اصلی پژوهش بر جنبه ذهنیت شهروندان استان نسبت به عوامل عینی تروریسم است. در واقع، این پژوهش نوع نگرش‌ها و احساسات شهروندان را به پدیده‌های عینی جامعه شناختی تروریسم در جنوب شرق کشور را مورد سنجش قرار داده است. از سویی احساس و ادراک جامعه هدف از شکاف‌های اجتماعی موجود در اثر فاصله میان خواسته‌ها و داشته‌های مورد نظر به وجود می‌آید. بنابراین ضرورت دارد که احساس و ادراک جامعه آماری پژوهش را در خصوص شکاف‌های اجتماعی از طریق داده‌های پیمایشی به دست آورد. از این رو این مقاله به دنبال پرداختن به این سوال اصلی است که تروریسم در منطقه جنوب شرق ایران به چه میزان متأثر از شکاف‌های اجتماعی بوده است؟

به عنوان سوال فرعی، این موضوع مطرح شده است که ابعاد پنج‌گانه شکاف‌های اجتماعی (ابعاد قومی، مذهبی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی) به چه میزان بر پدیده تروریسم در جنوب شرق ایران مؤثر بوده است؟ قرائن و شاهد بروز پدیده تروریسم و خشونت سیاسی در نطقه، این فرضیه را مطرح می‌کند که تروریسم در جنوب شرق ایران رابطه معنادار و مستقیمی با شکاف‌های اجتماعی در تمامی ابعاد ۵ گانه دارد. در باب روش شناسی باید گفت که این پژوهش از روش ترکیبی یا اختلاطی و درحقیقت آمیزه‌ای از روش‌های کیفی و کمی بهره خواهد برد. در این پژوهش با استفاده از تکمیل پرسشنامه‌های طراحی شده داده‌های کمی گردآوری خواهد شد و در حیطه‌ی روش کیفی؛ بر اساس پیمایش و مصاحبه با کارشناسان، خبرگان و متخصصین داده‌ها جمع‌آوری خواهد شد. همچنین بر این اساس تعمیق در گروه‌های اجتماعی به عنوان یکی از روش‌های گردآوری اطلاعات (در حیطه روش کیفی) صورت خواهد پذیرفت. برای گردآوری اطلاعات میدانی از ابزار پرسشنامه بهره گرفته خواهد شد. جامعه آماری پژوهش، شهروندان بالای ۱۵ سال منطقه بلوچستان در استان سیستان و بلوچستان (از میان جامعه آماری مردان در چهارده شهرستان منطقه‌ی بلوچستان که به استناد گزارش مرکز آمار ایران بر مبنای سرشماری سال ۱۳۹۵، تعداد ۵۹۷,۴۸۷ نفر را شامل می‌شود) است که تعداد ۳۸۴ نفر از میان جمعیت از طریق فرمول تعیین حجم نمونه کوکران و در نهایت، به روش تصادفی انتخاب خواهند شد. اطلاعات گردآوری شده به کمک نرم‌افزار SPSS و SMART-PLS تجزیه و تحلیل و ارائه خواهد شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از آزمون آماری ضریب همبستگی پیرسون و آزمون رگرسیون استفاده خواهد شد.

^۱Political Violence

^۲Mix Methods

بررسی عمیق کتابخانه‌ای و اینترنتی در سایت‌های مرجع علمی دنیا و داخل کشور، نمایانگر این موضوع است که پژوهشی به صورت مستقیم در انواع مقاله، کتاب و پایان‌نامه و... با موضوع این مقاله نگاشته نشده است. اما در تبیین شکاف‌های اجتماعی و تروریسم، مواردی موجود است که به تفکیک بدان اشاره خواهد شد.

۲-۱. پیشینه مطالعه شکاف‌های اجتماعی

۱-۲. پیشینه تمرکز پژوهشی بر مقوله شکاف اجتماعی در جهان

در عصر جهانی شدن و ارتباطات، شکاف‌های اجتماعی در حال فعال شدن و تأثیرگذاری حداکثری در محیط اجتماعی و انسانی هستند. (صادقی اول و حسینی اصیل، ۱۳۹۸: ص. ۸۶-۸۷) مرورری بر زمینه‌ی تحقیقاتی شکاف‌های اجتماعی، بیانگر وجود فراز و نشیب‌های این حوزه در دهه‌های اخیر است. به نظر می‌رسد محققان بسیاری محصولات و خروجی‌های پژوهشی فراوانی در این حوزه تولید می‌کنند که اساساً به سه گروه اصلی تقسیم می‌شوند (و گروه چهارمی که در حاشیه قرار می‌گیرد).

گروه اول: کسانی که به سبکی درباره شکاف‌های اجتماعی می‌نویسند که گویی هنوز هم پس از گذشت بیش از ۵۰ سال، لیپست^۱ و روکان^۲ (۱۹۶۷) این شکاف‌ها را توصیف می‌کنند و دلایلی عمدتاً منطقی و پذیرفتنی ارائه می‌کنند تا نشان دهند که کاهش کاملاً ملموس نظریه‌ی لیپست و روکان در خصوص شکاف‌های اجتماعی در گروه‌ها، احزاب و طبقات مختلف صحیح نیست. (فرضیه‌ی آنها انطباق نظریات لیپست و روکان بر مسائل جدید شکاف‌های اجتماعی است)

گروه دوم: کسانی که سعی می‌کنند شرایط متفاوت و نوینی را در زمینه‌ی نظریات شکاف‌های اجتماعی ترسیم نمایند و استدلال‌های نظری مبسوط و اغلب متقاعد کننده‌ای برای بیان تفاوت‌های شرایط جدید و نوظهور با دهه‌های گذشته (زمانه‌ی نظریه‌پردازی لیپست و روکان) ارائه می‌دهند.

گروه سوم: کسانی هستند که در واقع به هیچ عنوان بر شکاف‌های اجتماعی در قالب سنتی آن تمرکز ندارند، بلکه به چند دستگی‌ها، اختلافات طولانی^۳ و عمیقی در سپهر اجتماعی و سیاسی جوامع می‌پردازند که فرضیه‌ی این دسته بر این است که زمینه‌ای مشابه با نظریات و مفاهیم شکاف‌های اجتماعی دارند.

و پس از اینها، با ادامه بررسی در برون‌دادهای پژوهشی در زمینه‌ی شکاف اجتماعی، نویسندگانی به این عرصه ورود پیدا کرده‌اند که حتی منازعات سیاسی^۴ را نیز به این شکل مطالعه نمی‌کنند؛ بلکه به مسائل دیگری می‌پردازند که ادعا می‌کنند یا فرض می‌کنند به گونه‌ای می‌تواند با مقوله‌ی شکاف اجتماعی مرتبط باشد. بنابراین واژه «اجتماعی» متعلق به عنوان این زیرشاخه نیست، که احتمالاً باید «تحقیقات شکاف» یا شاید «سیاست شکاف» نامید. تا جایی که به سیاست مربوط می‌شود تا اجتماع.

تحقیقات سیاسی معاصر پیرامون مقوله‌ی «شکاف»، پیشرفت نسبتاً مناسبی پیدا کرده است و از شواهد تجربی زیادی استفاده شده که همگی تحسین‌برانگیزند. با این وجود فاصله‌ای بین شواهد و نتیجه‌گیری‌ها وجود دارد و این محل نقد و مناظره علمی است. در مجموع تلاش‌های متنوع این حوزه تحقیقی در اروپا در تناقضی آشکار با حالت منفعلانه‌ی توأم با سکوت محققان ایالات متحده آمریکا درباره این موضوع است. (برای موارد استثنا رجوع کنید به

^۱Lipset

^۲Rokkan

^۳long-standing divisions

^۴Political conflicts

میلر و ولزین،^۲ ۱۹۹۳؛ میلر و همکارانش، (۱۹۹۱) علیرغم تکاپوی نوینی که در رابطه با شکاف‌های مذهبی و یا به تعبیری دسته‌بندی‌های مذهبی وجود داشته این اختلاف سطح و یا به تعبیر بهتر؛ «وضعیت متناقض» در زمینه‌های پژوهشی عجیب بنظر می‌رسد؛ چرا که مسئله‌های پژوهشی در زمینه‌های اجتماعی و احزاب سیاسی در ایالات متحده به مراتب قدرتر و پرحاشیه‌تر از اروپا است. (فرانکلین،^۴ ۲۰۰۹؛ میلر و لاکربی،^۶ ۱۹۹۲)

۲-۱-۲. پیشینه محصولات علمی در داخل ایران با موضوع شکاف‌های اجتماعی

آنچه می‌توان به طور خلاصه در خصوص وضعیت پیشینه موضوع شکاف اجتماعی در داخل کشور عنوان کرد، این است که قریب به اتفاق مباحث طرح شده اتکاء به نظریات لیپست و روکان دارند و بسیار کم به چارچوب‌های نوین پرداخته شده است.

شاید بتوان پژوهش‌های حسین بشیریه در موضوع جامعه‌شناسی سیاسی را حاوی اقدامات قابل توجه و سرآمدی در موضوع شکاف‌های اجتماعی در ایران دانست.

بشیریه در کتاب جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، به بحث شکاف‌های اجتماعی با تمرکز با موضوعیت احزاب سیاسی می‌پردازد. (بشیریه، ۱۳۹۲: ۹۵-۱۲۲)

ابوالفضل دلاوری نیز در رساله دکتری خود با عنوان «الگوهای منازعه سیاسی در ایران»، تعریفی منطقی از شکاف‌های اجتماعی ارائه می‌کند و چگونگی مبدل شدن آن به شکاف سیاسی را تبیین می‌کند. (دلاوری، ۱۳۷۸: ۱۶۸)

مجید محمدی در پایان نامه خود با عنوان شکاف‌های اجتماعی و قومگرایی در ایران، چارچوب نه چندان مستحکمی از شکاف‌های اجتماعی در مناطق قومی ارائه و پس از تعیین شاخص‌های شکاف اجتماعی به موضوع تراکم شکاف‌ها پرداخته است. (محمدی، ۱۳۸۸: ۲۱-۲۸)

۲-۲. پیشینه مطالعه تروریسم

۲-۲-۱. پیشینه تمرکز پژوهشی بر مقوله تروریسم در جهان

اصولاً تروریسم مقوله‌ی بحث برانگیزی در حوزه مسائل سیاسی و اجتماعی محسوب می‌شود. تعدادی از پژوهشگران معتقدند که برای جلوگیری از درگیری‌های خشونت‌آمیز و تروریستی، باید سیاست تفکیک و جداسازی را در گروه‌های قومی دنبال کرد و بنابراین بر روی این زمینه مطالعاتی تمرکز داشته‌اند. برخی از افرادی که سیاست‌های تجزیه طلبی را دنبال می‌کنند^۷ همچون چایم کافمن^۸ حتی تا آنجا پیش رفته‌اند که حل شدن چنین درگیری‌هایی را بدون تفکیک قومیتی غیرممکن می‌دانند. مطابق با دیدگاه کافمن، تنها راه حل برای حل و فصل خشونت، منازعات و جنگ‌های داخلی با ریشه قومی، این است که طرف‌های ثالث باید گام‌های عمل‌گرایانه و صریحی را برای مداخله بردارند؛ با این توضیح که این جهت‌گیری شامل سه مؤلفه اساسی می‌شود:

^۱Miller

^۲Wlezien

^۳Religious Divisions

^۴Frankline

^۵Miller

^۶Lockerbie

^۷Partitionist

^۸Chaim kaufmann

۱- تعیین یک مرز مشخص برای تفکیک بندی قومیت ها.

۲- جا به جایی جمعیت های قومی مطابق با این مرزبندی.

۳- تقویت و حفظ نیروهای حافظ صلح به منظور محافظت از این مرزبندی جدید.

با وجود این، آنچه در عرصه واقعیت رخ عیان کرده است و به عبارتی شواهد تجربی، خلاف این دیدگاه را نمایش می دهند. سامبانیس در مطالعه و پژوهش وسیع و حجیم خود نشان می دهد که «تفکیک قومیتی» در مقایسه با رویکردهای دیگر، شانس بالاتری برای حل و فصل درگیری و جلوگیری از خشونت و بازگشت آن ندارد. علاوه بر این، ناهمگونی قومی^۱ به عنوان متغیری مهم در ارتباط با عوامل از سرگیری جنگ و خشونت تشخیص داده نشده است. (Sambanis, 2000: ۴۹۶)

هواداران سیاست جدایی طلبی و جا به جایی قومی ادعا می کنند که جنگ های داخلی قومی صرفاً از طریق تفکیک اعضای متعلق به گروه های مختلف حل و فصل خواهند شد. مطابق با این استدلال، هویت های قومی افراد، بعد از تجربه کردن جنگ های داخلی تقویت می شود، به طوری که آن ها بدون روی آوردن به خشونت نمی توانند همزیستی مسالمت آمیزی در کنار یکدیگر داشته باشند. (Kaufmann, 1996: 63) تعداد زیادی از محققان رابطه بین فقر، محرومیت مادی، تروریسم و خشونت جمعی را بررسی کرده اند و به نتایج ضد و نقیضی دست پیدا کرده اند. به همین خاطر، رابطه نابرابری اقتصادی و درگیری سیاسی به یکی از گره های کور در مطالعات تروریسم تبدیل شده است. تد رابرت گارد مطالعه خود رابطه بین فقر و نابرابری را بررسی می کند. او اصطلاح محرومیت نسبی را ابداع کرد. ادوارد مولر و میشل اسلیگسون مطالعه ای بر روی هشتاد و پنج کشور در حال توسعه بین سال های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۷ انجام دادند. آن ها مشاهده کردند که نابرابری اقتصادی تعیین کننده سطح تروریسم و خشونت سیاسی است. (Stroschein, 2005: 52)

۲-۲-۲. پیشینه تمرکز پژوهشی بر مقوله تروریسم در ایران

در مجموع مطالعات تروریسم در ایران، به نسبت آمریکا و اروپا، نسبتاً دچار رکود و انجماد شده است. نوعی تصلب فکری در مطالعات این حوزه قابل مشاهده است که نیاز به ساختار شکنی و کارهای بدیع و نو کاملاً محسوس است. قریب به اتفاق مطالعات تروریسم در ایران، در چارچوب های فکری و دریچه های نظری «تد رابرت گر» و نظریه محرومیت نسبی وی لنگر انداخته اند. نمی توان در مقام نفی اثرات نظریه محرومیت نسبی قرار گرفت؛ لکن فضای جدید حاکم بر پدیده های سیاسی-اجتماعی مانند تروریسم، نیاز به تئوری ها و ابزارهای جدید تجربه و تحلیل را دوچندان می کند. اهم پژوهش های مرتبط با خشونت سیاسی و یا منازعات سیاسی در ایران شامل موارد زیر است:

۱. محمودزاده رضایی (۱۳۹۶) در پایان نامه زمینه های واگرایی فرهنگی و خشونت سیاسی در میان اهالی سنی مذهب بلوچستان، کردستان و منطقه ترکمن صحرای ایران، به این نتیجه می رسد که خشونت سیاسی در ایران، در نبود رقیب قوی تری در منوی مقاومتی، گسترش می یابد.
۲. محمود اوغلی و اصغری نیاری (۱۳۹۶)، در مقاله ای با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر خشونت سیاسی، مطالعه موردی جمعیت قوم بلوچ زاهدان، بر وجود رابطه بین احساس نابرابری اجتماعی و محرومیت نسبی در سطح فردی با خشونت سیاسی، صحنه می گذارند.

^۱Ethnic heterogeneity

^۲Ethnic identity

^۳Ted Robert Gurr

رهیافت های نوین در علوم انسانی ایران

۳. طالبان (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل بولی از اثر محرومیت نسبی بر خشونت سیاسی» الگوهایابی از محرومیت نسبی و تأثیر آن بر بروز خشونت سیاسی در کشورهای مسلمان را تبیین شده است.
۴. قاراخانی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «نوسازی و خشونت سیاسی» برای سنجش نوسازی، از شاخص کیفیت زندگی او برای سنجش خشونت سیاسی، از داده های ثانویه مربوط به تروریسم و خشونت سیاسی استفاده کرده است.
۵. شعبانی اصل (۱۳۸۸) در مقاله‌ی «بررسی ساختارهای سیاسی اثرگذار بر امنیت سیستان و بلوچستان» با طرح این سوال که «ساختارهای سیاسی تأثیر گذار بر امنیت سیستان و بلوچستان کدام است؟» ضمن مروری بر تبارشناسی استان سیستان و بلوچستان و جغرافیای منطقه و واقعیات مسائل قومی - مذهبی این استان، به احصاء تهدیدات، آسیب ها و فرصت ها پرداخته است.
۶. بابایی و بلایی مهبیاری (۱۳۸۸) در مقاله «نقش طوایف شیعه بلوچ در امنیت منطقه» به بررسی نقش طوایف موجود در منطقه بلوچستان (ایران شهر) در برقراری امنیت این منطقه پرداخته است.

۳- مبانی مفهومی و نظری پژوهش

۳-۱. مفهوم شکاف اجتماعی

در مورد چیستی و تعریف شکاف همسویی دیده نمی‌شود. دشواری آنجاست که گرچه لیپست و رکان چارچوب تئوریک و تجربی باارزشی برای فهم رفتار سیاسی پدید آوردند ولی چند و چون مفهوم شکاف را به روشنی تعریف نکردند. از این رو، یکی از پرکاربردترین مفاهیم‌های دانش سیاست، تعریف نشده و با این حال به شیوه‌های گوناگونی از آن سود برده شده است. از یک دیدگاه می‌توان گفت که شکاف‌ها ماده خام پیکارهای سیاسی هستند. در مفهوم گسترده کلمه، پژوهشگر با چیزی سروکار دارد که «ما» را از «آن‌ها» جدا می‌سازد. (دلیرپور و سمیعی اصفهانی، ۱۳۸۸: ۱۵-۱۷) اما می‌توان درگیری‌ها، منازعات و تنش‌هایی را که در سطح واحدهای ملی (دولت- ملت‌ها) رخ می‌دهد و تمام سطوح جامعه را در برمی‌گیرد، می‌توان با عنوان شکاف‌های اجتماعی مورد بررسی قرار داد. مفهوم شکاف، در جامعه‌شناسی از اهمیت بسیاری بالایی برخوردار است، زیرا در کانون توجه جامعه‌شناسی سیاسی و بررسی مناسبات مربوط به ستیزهای اجتماعی که موجب توزیع و تخصیص قدرت می‌شود، قرار دارد. مفهوم شکاف اجتماعی در ذات خود، ستیز و تعارض اجتماعی را پرورش می‌دهد و ستیز اجتماعی نیز مبنای توزیع و تخصیص قدرت است (بشیریه و قاضیان، ۱۳۸۹: ۵۵).

۳-۲. مفهوم تروریسم

واژه تروریسم که از زبان فرانسوی به ادبیات فارسی راه یافته است، از ریشه لاتین ترور به معنی «احساس ترس» است که در لغت به معنای ایجاد رعب و هراس در بین مردم و یا مرعوب ساختن دیگران است. در فرهنگ آکسفورد، تروریسم به وحشت فزاینده یا یک شخص یا چیزی که وحشت فزاینده‌ای تولید کند، تعریف شده است. (کدخدایی، ۱۳۹۰: ۱۵) تروریسم به طور کلی شکلی از کاربرد خشونت محسوب می‌شود و هدف آن کسب موفقیت با استفاده از تأثیرات غیرمستقیم خشونت است؛ بدین صورت، استراتژی تروریستی به پیامدهای مستقیم نظر ندارد؛ بلکه بدنبال پیامدهای روانی کاربرد خشونت هستند. تروریسم به این مفهوم نوعی استراتژی ارتباطی است که به واسطه آن، پیام‌ها به شیوه و

QOLI
Social Cleavages
Terrorism
Terrorism
terror

روشی جنجال برانگیز منتشر می‌شوند (مونکلر، ۱۳۸۴: ۲۲۵). اگر چه اهداف نهایی تروریست‌ها در طول زمان تغییر کرده است، اما چهار مورد از این اهداف همچنان اهمیت خود را حفظ کرده‌اند: «تغییر رژیم، تغییر سیاست، کنترل اجتماعی و حفظ وضعیت موجود». (کید و والتر، ۱۳۸۶: ۱۲)

۳-۳. مروری بر رهیافت‌ها و نظریه‌های شکاف‌های اجتماعی

۳-۳-۱. وضع موجود نظریه پردازی: ضعیف تئوریک در مقوله‌ی «شکاف‌های اجتماعی»

لیپست و روکان (که بیشتر بارتولینی^۱ و مایر^۲ (۱۹۹۰) به آنها پرداخته‌اند) اینگونه استدلال می‌کنند که پیامدهای سیاسی ناشی از شکاف اجتماعی، نیاز به سه شرط لازم داد: اول، تمایز عینی بین منافع کسانی است که در طیف متفاوتی از حد فاصل شکاف قرار دارند، دوم، شناخت اهمیت این تمایز از سوی کسانی است که متأثر از آن هستند. سوم، راه‌های بیان سیاسی^۳ برای منافع متفاوت طرفین ذینفع است (که عمدتاً احزاب سیاسی را شامل می‌شود). کمتر کسی از محققان این موضوع را انکار می‌کنند که شکاف‌های اجتماعی کلاسیکی که بر این اساس تعریف شده‌اند در واقع زمانی و در مقطعی، بیشترین تأثیر را بر انتخاب حزب داشته‌اند. موضوعی که رز^۴ و اوروین^۵ (۱۹۶۹) نیز بدان پرداخته‌اند. بعلاوه، کمتر کسی از محققان انکار می‌کنند که شکاف‌هایی که بر این اساس تعریف شدند بعد از دهه ۱۹۶۰ اهمیت خود را از دست دادند. (Franklin, 2010: 648)

۳-۳-۲. مبانی نظریه مطالعه شکاف‌های اجتماعی در جنوب شرق

استان سیستان و بلوچستان درگیر برخی از شکاف‌های متراکم اجتماعی شده است. همواره از منظر جامعه‌شناسی، پژوهشگران نظاره گر میزان تعادل و یا عدم تعادل در بین بومی‌های اصیل (سیستانی و بلوچ‌ها)، غیربومی‌های ساکن و غیربومی‌های مأمور، در عرصه‌های بوده‌اند که جنس این تحلیل می‌تواند کارکرد اجتماعی و سیاسی شکاف‌های اجتماعی را متفاوت کند. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مذهب جایگاه چندان بارزی در معادلات سیاسی و اجتماعی استان نداشت؛ بلکه امنیت و نظم سیاسی منطقه با نظام اجتماعی (طایفه‌ای) در هم تنیدگی داشته است اما پس پیروزی انقلاب، دگرگونی ساختاری در این زمینه پدید آمد. عوامل مؤثر در حفظ نظم سیاسی در قبل از انقلاب همانند سرداران طوایف و عشایر، خوانین و فئودال‌ها و برخی نخبگان تحصیل کرده، پایگاه اجتماعی و نفوذ خویش را از دست دادند و زمینه رشد مذهبی و ارتقاء جایگاه اقطاب مذهبی در نظام طبقاتی جامعه عشیره‌ای بلوچ فراهم شد و مذهب دارای اولویت ویژه‌ای گردید. در مسائل توسعه اقتصادی نیز، بی‌تردید استان در عین بهره‌مندی از مواهب الهی و ظرفیت‌های بی‌ظنیر اقتصادی هم چون سواحل مکران، دریای عمان، بنادر، بازارچه‌های مرزی، مرز آبی و خاکی، معادن و ... دارای محرومیت‌های آشکار است. این وضعیت شکاف‌های اقتصادی را در استان بسیار برجسته کرده است و به نظر می‌رسد که عدم توسعه اقتصادی منطقه تأثیر مخربی بر استان داشته است. در مجموع بر اساس آنچه از نظریات علمی

^۱Bartoloni

^۲Mair

^۳Political Expression

^۴Rose

^۵Urwin

رهیافت های نوین در علوم انسانی ایران

حاصل شد و تجزیه و تحلیل مسائل استان، به نظر می رسد که شکاف های اجتماعی در استان را می توان در پنج مؤلفه ی سیاسی، قومی، مذهبی، اقتصادی و فرهنگی خلاصه کرد.

۱-۳-۳. مروری بر رهیافت ها و نظریه های مطالعات تروریسم

مباحث تئوریک فراوانی در مورد ریشه های تروریسم انجام شده است. لکن این مقاله رویکرد متفاوتی را دنبال کرده است. مهم ترین استدلال های ارائه شده در مورد تروریسم مبتنی بر شاخص های اختصاصی «بسیج خشونت آمیز» هستند. در ادامه این نظریه ها را تحلیل خواهیم کرد تا به چارچوبی دست پیدا کنیم که نمونه جنوب شرق را مطابق با آن بررسی کرد. بر این نکته تأکید می شود که در حوزه مبانی نظری خشونت سیاسی، درک شاخص ها و عوامل تروریسم اهمیت زیادی برای بررسی امنیت دارد.

۱-۳-۳-۱. نظریه محرومیت نسبی^۱

مطالعات اولیه در زمینه خشونت سیاسی اغلب بر اهمیت محرومیت نسبی تأکید کردند. (ولستروم^۲ و تورنبرگ^۳، ۲۰۱۹: ص ۳) نظریه محرومیت نسبی به عنوان پاسخ محبوب و پرمخاطب دیگری برای خشونت سیاسی مطرح شده است. گذری اجمالی بر مقالات و نوشتارهای علمی گوناگون در ایران، نمایانگر استفاده اغلب پژوهشگران داخلی برای تبیین خشونت از رهگذر این نظریه بوده است. مطابق با نظریه محرومیت نسبی گار، احساسات فرد در مورد خود و جهان اطراف عامل اصلی ناپایداری است. این ناپایداری ناشی از یک احساس ناامیدی است. این احساس در واقع واکنش انسان نسبت به شرایط و رویدادهایی است که در دنیای اطراف ما رخ می دهند. (Nilsson, 1994: 17)

مفهوم «تهاجم ابزاری»^۴ با نظریه ناامیدی در ارتباط است و در زمان تحلیل مسائل اجتماعی-اقتصادی استفاده خواهد شد. (Conteh-Morgan, 2004)

به طور خلاصه محرومیت نسبی به تفاوت بین انتظارات و آرزوها اشاره می کند. عملی نشدن انتظارات در واقعیت می تواند باعث ایجاد احساس نارضایتی شود. (Webber, 2007: 99)

۲-۳-۳. نظریه جنبش اجتماعی

یکی از کمک های مهم نظریه جنبش اجتماعی برای مطالعه تحقیقات خشونت سیاسی آن است که دوباره خشونت را به زمینه اجتماعی خود باز می گرداند. ما در چارچوب جنبش های اجتماعی می توانیم خشونت را به عنوان یکی از جنبه های دینامیک جنبش تحلیل کنیم. این موضوع می تواند وابسته به ساختارهای اجتماعی-سیاسی در درون محیطی باشد که جنبش اجتماعی در آن رخ می دهد. برای مثال می توان به مطالعه سیدنی تارو، چارلز تیلی^۵ و مک آدامز^۶ بر روی خشونت در درون جنبش های اجتماعی اشاره کرد. آن ها نحوه توسعه خشونت در درون این جنبش ها را مطالعه کرده اند. آن ها تصویری از خشونت ارائه می کنند که نتیجه مناقشه شدید بین جنبش های جنگ طلب و ساختارهای اجتماعی-سیاسی منحصر به فرد آن ها است. این اقدامات معمولاً نتیجه تعاملات با نگرش های ایدئولوژیکی، مذهبی و

^۱Relative Deprivation Theory

^۲Wahlström

^۳Törnberg

^۴Instrumental aggression

^۵Charles Tilly

^۶McAdam's

رهیافت های نوین در علوم انسانی ایران

فرهنگی در حال تغییر نسبت به حکومت و دیگر انواع اعتراضات مرتبط با جنبش ها هستند. (Amaechi, 2013: 25)

سعی خواهد شد مبتنی بر مبانی نظری طرح شده در خصوص هر دو متغیر اصلی پژوهش، رابطه بین متغیرها واکاوی شود. در مجموع گروه های تروریستی محارب مانند جندالله (منحله)، جیش العدل، انصارالفرقان و همچنین گروه های تروریستی تکفیری مانند داعش با اقداماتی نظیر ترور، بمب گذاری، آدم ربایی، انتحار و... سعی در بروز خشونت سیاسی دارند. این طیف از اقدامات را می توان از دریچه نظری «جنبش های اجتماعی» تحلیل کرد. مطابق با این دیدگاه اقدامات خشونت آمیز در درون جنبش های نامبرده، معمولاً در واکنش به قدرت دولتی و فرایند انطباق متقابل در درون گروه های جنبشی بوده است. همچنین بر اساس مفاد نظریه ی محرومیت نسبی، تفاوت بین انتظارات و آرزوها در عرصه اجتماعی و اقتصادی امری مهم است که تبعات و پیامدهای متنوعی را می تواند برای سیستم حکمرانی داشته باشد. عملی نشدن انتظارات در واقعیت می تواند باعث ایجاد احساس نارضایتی و در نتیجه طغیان شود. زمینه های دیگری در منطقه جنوب شرق مانند وجود شرارت هایی که از قدیم الایام وجود داشته است، خشونت های سیاسی را رقم زده است.

۴. یافته های پژوهش

۴-۱. متغیرهای زمینه ای

در این پژوهش بیشترین درصد پاسخگویان که ۳۹,۷ درصد فراوانی کل افراد پاسخگو است را گروه سنی خود را ۲۱-۳۰ سال که تعداد ۱۵۲ نفر هستند شامل می شوند. همچنین کمترین درصد پاسخگویان ۶,۳٪ (۲۴ نفر) نیز گروه سنی خود را ۵۱-۶۰ سال گزارش کرده اند. بیشترین درصد پاسخگویان ۳۳,۳ درصد (۱۲۸ نفر) تحصیلات خود را زیر دیپلم و کمترین درصد پاسخگویان ۱۲,۸ درصد (۴۹ نفر) نیز تحصیلات خود را فوق دیپلم گزارش کرده اند. بیشترین درصد پاسخگویان ۳۹,۳٪ (۱۵۱ نفر) درآمد ماهانه خود را ۵۰۰ هزار تومان تا یک میلیون تومان و کمترین درصد پاسخگویان ۳,۹٪ (۱۵ نفر) نیز بیش از بیش از دو میلیون تومان گزارش کرده اند. همچنین بیشترین درصد پاسخگویان ۴۳,۲ درصد (۱۶۶ نفر) شغل خود را بیکار و کمترین درصد پاسخگویان ۸,۲ درصد (۳۱ نفر) نیز شغل خود را آزاد گزارش کرده اند.

۴-۲. یافته های تبیینی و ارزیابی فرضیات پژوهش

۴-۲-۱. معادلات ساختاری (پاسخ به فرضیه های تحقیق)

۴-۲-۱-۱. معادلات ساختاری فرضیه اصلی تحقیق

در این قسمت معیارهای اعتبارسنجی مدل ساختاری در جدول ۱ آورده شده است.

منبع	تفسیر شاخص	شاخص	نوع اعتبار
واریانس توضیحی یک متغیر درونزا را نسبت به واریانس کل آن توسط متغیرهای برونزا اندازه گیری می کند. برای این شاخص مقادیر بزرگتر از ۰.۶۷۰، قوی، بزرگتر از ۰.۳۳۳، متوسط و کمتر از ۰.۱۹۰، ضعیف تلقی می شود.	ضریب تعیین [§] (R ²)	ضریب اعتبار	مدل
چین [†] (۱۹۸۸) و رینگل [‡] (۲۰۰۴)	ضرایب مسیر بین متغیرهای پنهان باید بر اساس علامت جبری، مقدار و معناداری، نوع رابطه بین دو متغیر را نشان می دهد. منفی بودن ضریب، رابطه عکس و مثبت بودن ضریب رابطه مستقیم بین دو متغیر را نشان می دهد.	ضرایب مسیر [□]	مدل
چین (۱۹۹۸)			

نتایج معادلات ساختاری جهت بررسی فرضیه اصلی تحقیق در جدول فوق ملاحظه می شود.

جدول ۲- نتایج مدل معادلات ساختاری فرضیه اصلی تحقیق

فرضیه اصلی پژوهش	بتا	آماره تی	ضریب تعیین	وضعیت فرضیه	جهت
شکاف های اجتماعی - تروریسم	۰,۹۱۹	۱۰۱,۲۰۹	۰,۸۴۴	تأیید	+

$|t| > 1.96$ Significant at $P < 0.05$, $|t| > 2.58$ Significant at $P < 0.01$

فرضیه اصلی: تروریسم در جنوب شرق ایران رابطه معنادار و مستقیمی با شکاف های اجتماعی دارد.

بر اساس جدول ۲، فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر وجود رابطه بین تروریسم و شکاف های اجتماعی دارای مقدار معناداری ۱۰۱/۲۰۹ شده است که در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار شده است (بزرگتر از ۱/۹۶ شده است)، بنابراین با احتمال ۹۵ درصد ادعای محقق تأیید می شود. مقدار مثبت بتا (۰/۹۲) نشان می دهد بین شکاف های اجتماعی و خشونت سیاسی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. ضریب تعیین برابر ۰/۸۴۴ شده است در نتیجه شکاف های اجتماعی ۸۴/۴ درصد واریانس تروریسم را توضیح می دهد.

۲-۱-۲-۴. معادلات ساختاری فرضیه فرعی

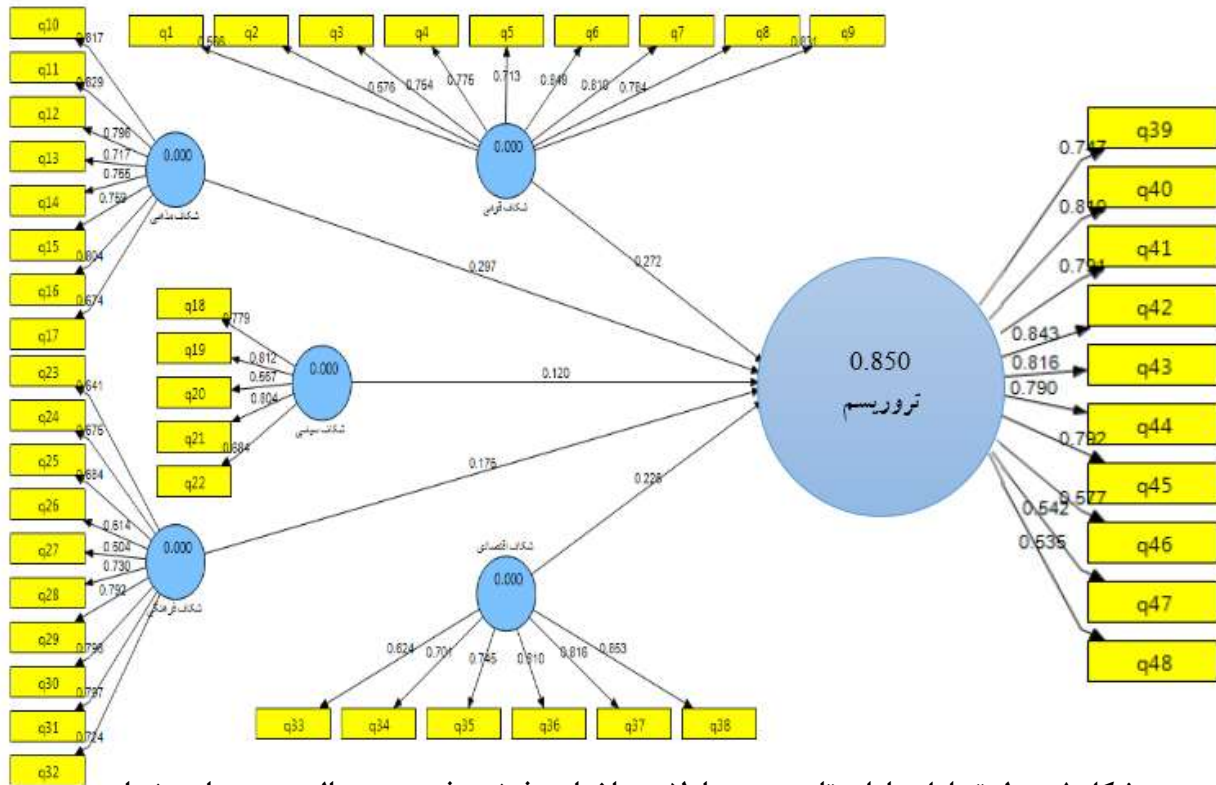
شکل ۱ تحلیل عاملی تأییدی و مدل معادلات ساختاری شاخص های پرسشنامه را در حالت تخمین استاندارد برای فرضیه فرعی اول نشان می دهد. در فرضیه فرعی شکاف های اجتماعی دارای ۵ بُعد است: قومی، مذهبی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی. که بر اساس شکل ۱، نسبت بین متغیر وابسته (تروریسم) با ابعاد مختلف شکاف های اجتماعی مشخص است. شکل ۱ معناداری ضرایب و پارامترهای بدست آمده تحلیل عاملی تأییدی و مدل معادلات ساختاری را برای فرضیه فرعی نشان می دهد. در سطح خطای ۵ درصد مقادیر آزمون معناداری بزرگتر از ۱,۹۶ یا کوچکتر از ۱,۹۶- نشان دهنده معنادار بودن روابط میان شاخص ها و متغیرهای مکنون متناظر خود است.

* Coefficient of Determination

† Chin

‡ Ringle

§ Path Coefficients



شکل ۱- مدل تحلیل عاملی تاییدی و معادلات ساختاری فرضیه فرعی در حالت معنی داری ضرایب

نتایج معادلات ساختاری جهت بررسی فرضیه فرعی تحقیق (شامل تأثیر ۵ بُعد شکاف های اجتماعی بر تروریسم) در جدول ۱ ملاحظه می شود.

جدول ۳- نتایج مدل معادلات ساختاری فرضیه های فرعی اول تحقیق

جهت	وضعیت فرضیه	ضریب تعیین	آماره تی	بتا	فرضیات تحقیق
+	تأیید	۰,۸۵۰	۶,۶۳۰	۰,۲۷۲	شکاف قومی - < تروریسم
+	تأیید		۷,۹۴۴	۰,۲۹۷	شکاف مذهبی - < تروریسم
+	تأیید		۵,۲۳۵	۰,۱۲۰	شکاف سیاسی - < تروریسم
+	تأیید		۵,۰۰۲	۰,۱۷۶	شکاف فرهنگی - < تروریسم
+	تأیید		۷,۴۶۳	۰,۲۲۶	شکاف اقتصادی - < تروریسم

$|t| > 1.96$ Significant at $P < 0.05$, $|t| > 2.58$ Significant at $P < 0.01$

بر اساس جدول فوق، و در خصوص بررسی ابعاد فرضیه فرعی مبنی بر وجود رابطه بین بعد قومی شکاف های اجتماعی و تروریسم دارای مقدار معناداری ۶/۶۳۰ شده است که در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار شده است (بزرگتر از ۱/۹۶ شده است)، بنابراین با احتمال ۹۵ درصد ادعای محقق تأیید می شود. مقدار مثبت بتا (۰/۲۷۲) نشان می دهد بین بعد قومی شکاف های اجتماعی و تروریسم رابطه مثبت و معنادار دارد. همچنین بر این اساس رابطه بین بعد مذهبی شکاف های اجتماعی و تروریسم دارای مقدار معناداری ۷/۹۴۴ شده است که در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار شده است (بزرگتر از ۱/۹۶ شده است)، بنابراین با احتمال ۹۵ درصد ادعای محقق تأیید می شود. مقدار مثبت بتا (۰/۲۹۷) نشان می دهد بین بعد مذهبی شکاف

های اجتماعی و تروریسم رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. در مورد رابطه بین بعد سیاسی شکاف های اجتماعی و تروریسم دارای مقدار معناداری ۵/۲۳۵ شده است که در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار شده است (بزرگتر از ۱/۹۶ شده است)، بنابراین با احتمال ۹۵ درصد ادعای محقق تایید می شود. مقدار مثبت بتا (۰/۱۲۰) نشان می دهد بین بعد سیاسی شکاف های اجتماعی و خشونت سیاسی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین بررسی ها حاکی از این است که بین بعد فرهنگی شکاف های اجتماعی و تروریسم دارای مقدار معناداری ۵/۰۰۲ شده است که در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار شده است (بزرگتر از ۱/۹۶ شده است)، بنابراین با احتمال ۹۵ درصد ادعای محقق تایید می شود. مقدار مثبت بتا (۰/۱۷۶) نشان می دهد بین بعد فرهنگی شکاف های اجتماعی و تروریسم رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. نهایتاً در خصوص وجود ارتباط بعد اقتصادی شکاف های اجتماعی و خشونت سیاسی، آمار و اعداد نمایانگر این است که دارای مقدار معناداری ۷/۴۶۳ شده است که در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار شده (بزرگتر از ۱/۹۶ شده است) و بنابراین با احتمال ۹۵ درصد ادعای محقق تایید می شود. مقدار مثبت بتا (۰/۲۲۶) نشان می دهد بین بعد اقتصادی شکاف های اجتماعی و تروریسم رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

۴-۲-۱-۴. تأثیر عوامل دموگرافیک بر متغیر تروریسم

در این بخش به بررسی تاثیر عوامل دموگرافیک اعضای نمونه، شامل تحصیلات، درآمد، شغل و سن بر نمرات داده شده به متغیر وابسته تروریسم پرداخته شد. برای این منظور از آزمون آنالیز واریانس یک طرفه (آنوا) برای مقایسه و آزمون نمرات داده شده به متغیر اساسی پژوهش استفاده شد.

جدول ۴-آماره های توصیفی و نتایج آزمون آنوا برای متغیر تروریسم

عامل جمعیت شناختی	طیف	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	آماره F	سطح معنی داری	نتیجه
تحصیلات	زیر دیپلم	۱۲۸	۳,۱۸۹	۰,۴۹۶	۹۸,۹۱	۰,۰۰۰	وجود تفاوت
	دیپلم	۷۰	۲,۹۸۷	۰,۴۸۱			
	فوق دیپلم	۴۹	۲,۵۹۲	۰,۳۴۸			
	لیسانس	۷۷	۲,۲۶۶	۰,۴۹۳			
	فوق لیسانس	۶۰	۱,۹۷۵	۰,۳۶۸			
	کل	۳۸۴	۲,۷۰۱	۰,۶۵۲			
درآمد	کمتر از ۵۰۰ هزار تومان	۸۰	۳,۳۷۰	۰,۶۵۰	۸۸,۶۶	۰,۰۰۰	وجود تفاوت
	۵۰۰ هزار تومان تا ۱ میلیون تومان	۱۵۱	۲,۸۲۶	۰,۳۶۵			
	۱ میلیون تا ۱ و نیم میلیون تومان	۱۰۲	۲,۳۶۲	۰,۴۲۷			
	۱ و نیم میلیون تا ۳ میلیون تومان	۳۶	۲,۰۲۹	۰,۳۲۷			

				بیش از ۳ میلیون تومان	۱۵	۱,۷۹۰	۰,۷۸۰
				کل	۳۸۴	۲,۷۰۱	۰,۶۵۲
				بیکار	۱۶۶	۳,۲۵۹	۰,۴۳۰
				دانشجو	۵۴	۲,۲۴۹	۰,۱۷۸
وجود				محصل دینی	۸۶	۲,۳۱۲	۰,۲۲۹
تفاوت	۲۳۰,۷۲	۰,۰۰۰		کارمند	۴۷	۱,۸۰۵	۰,۳۳۶
				آزاد	۳۱	۲,۹۴۰	۰,۴۲۶
				کل	۳۸۴	۲,۷۰۱	۰,۶۵۲
				۱۵ تا ۲۰ سال	۹۷	۳,۳۳۲	۰,۵۰۰
				۲۱ تا ۳۰ سال	۱۵۲	۲,۸۰۰	۰,۳۹۴
وجود				۳۱ تا ۴۰ سال	۷۱	۲,۴۴۷	۰,۴۴۹
تفاوت	۱۵۱,۹۶	۰,۰۰۰		۴۱ تا ۵۰ سال	۳۹	۱,۹۴۴	۰,۰۷۹
				۵۱ تا ۶۰ سال	۲۵	۱,۵۵۲	۰,۱۵۹
				کل	۳۸۴	۲,۷۰۱	۰,۶۵۲

با توجه به داده های جدول ۴، آماره های توصیفی شامل تعداد، میانگین و انحراف معیار متغیر وابسته تروریسم را به تفکیک عامل جمعیت شناختی (تحصیلات، درآمد، شغل و سن) نشان می دهد. بر اساس نتایج آزمون آنالیز واریانس و با توجه به مقادیر آماره F و سطح معنی داری، می توان در مورد برابری میانگین های متغیر تروریسم بر اساس گروه های مختلف استنباط کرد. اگر سطح معنی داری کوچکتر از ۵ صدم باشد، فرض برابری میانگین این متغیرها در این گروه ها رد و فرض وجود تفاوت معنی دار بین آنها تایید خواهد شد. همان طور که ملاحظه می شود سطح معنی داری متغیر تروریسم در عامل تحصیلات کوچکتر از ۵ صدم می باشد بنابراین می توان چنین استنباط کرد که میانگین پنج جامعه ی مورد نظر (زیر دیپلم، دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس)، تفاوت معنی داری با هم دارند. براساس مقدار میانگین متغیر تروریسم در هر گروه از سطح تحصیلات مشاهده می شود که افرادی که دارای تحصیلات پایین تری هستند میزان گرایش به مؤلفه های تروریسم آنها بالاتر می باشد و با افزایش سطح تحصیلات میزان تروریسم و خشونت سیاسی افراد کاهش پیدا کرده است.

سطح معنی داری متغیر تروریسم در عامل درآمد کوچکتر از ۵ صدم می باشد بنابراین می توان چنین استنباط کرد که میانگین پنج جامعه ی مورد نظر (کمتر از ۵۰۰ هزار تومان، ۵۰۰ هزار تومان تا ۱ میلیون تومان، ۱ میلیون تا ۱ و نیم میلیون تومان، ۱ و نیم میلیون تا ۳ میلیون تومان، بیش از ۳ میلیون تومان)، تفاوت معنی داری با هم دارند. براساس مقدار میانگین متغیر تروریسم در هر گروه از سطح درآمد مشاهده می شود که افرادی که دارای درآمد پایین تری هستند میزان تروریسم آنها بالاتر می باشد و با افزایش سطح درآمد میزان گرایش به مؤلفه های تروریسم افراد کاهش پیدا کرده است. سطح معنی داری متغیر تروریسم در عامل شغل کوچکتر از ۵ صدم می باشد بنابراین می توان چنین استنباط کرد که میانگین پنج جامعه ی مورد نظر (بیکار، دانشجو، طلبه، کارمند، آزاد)، تفاوت معنی داری با هم دارند. براساس مقدار میانگین متغیر تروریسم در هر گروه از شغل مشاهده می شود که افرادی که فاقد شغل بوده اند میزان خشونت سیاسی آنها بالاتر می باشد و کارمندان و دانشجویان میزان گرایش به مؤلفه های تروریسم پایین تری دارند. سطح معنی داری متغیر تروریسم در عامل سن کوچکتر از ۵ صدم می باشد بنابراین می توان چنین استنباط کرد که میانگین پنج جامعه ی مورد نظر (۱۵ تا ۲۰ سال، ۲۱ تا ۳۰ سال، ۳۱ تا ۴۰ سال، ۴۱ تا ۵۰ سال،

۵۱ تا ۶۰ سال)، تفاوت معنی داری با هم دارند. براساس مقدار میانگین متغیر تروریسم در هر گروه سنی مشاهده می شود که افرادی که دارای سن پایین تری هستند میزان خشونت سیاسی آنها بالاتر می باشد و با افزایش سن میزان گرایش به تروریسم افراد کاهش پیدا کرده است.

۵. نتیجه گیری

تروریسم پدیده ی پیچیده و متنوع است. نمی توان علل و ریشه های تروریسم را در تک بعدی ارزیابی قرار داد. به طور کل مطالعات نشان می دهد که تعارضات متنوع موجود میان گروه های قومی یا موازی شدن شکاف های مختلف قومی با مذهبی و زبانی و... تأثیر بسزایی در میزان ثبات یا بی ثباتی کشورها دارد. شکاف های قومی - مذهبی ممکن است متقاطع یا متراکم باشند. شکاف های متراکم به شکاف هایی گفته می شود که دو شکاف اجتماعی روی هم قرار گرفته و همدیگر را تقویت می کنند. به عبارت دیگر شکاف های متراکم به شکاف هایی گفته می شود که بر هم بار شده و موجبات دوری افراد و افزایش تنش و در صورت عدم دستیابی به راه حلی مناسب به خشونت و ترور کشیده می شوند. از این منظر باید گفت بخش هایی از ایران و در مورد مطالعاتی این رساله، جنوب شرق کشور دارای شکاف های متراکمی است که محققان پیش تر به آنها اشاره کرده اند که در صورت فعال شدن این شکاف ها عرصه سیاست و جامعه را به خشونت و پدیده ای مانند تروریسم می کشند. از سویی برای رسیدن به قدمگاهی علمی و مستحکم در اثبات فرضیه ی تأثیر معنادار شکاف های اجتماعی بر بروز تروریسم از روش ترکیبی (کمی و کیفی) و پیمایش در جنوب شرق کشور استفاده شده است. همان طور که به طور دقیق اشاره شد، تجزیه و تحلیل داده های پژوهش، گویای تأیید فرضیات مطرح شده در ابتدای پژوهش است. بدین ترتیب محققاً بر این نکته تأکید می شود که وجود شکاف های اجتماعی (در ابعاد قومی، مذهبی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی) تأثیر بسزایی در بروز پدیده تروریسم در منطقه جنوب شرق کشور بوده است. کنترل شکاف های مذهبی، قومی و سپس اقتصادی که به ترتیب بیشترین تأثیر را بر بروز تروریسم در منطقه جنوب شرق داشته باید به صورت عملی و جدی پیگیری شود. همچنین از منظر جامعه شناسی، رصد شکاف های فرهنگی و سیاسی به عنوان مؤلفه هایی اثر بخش بر بروز منازعه، شایسته است با روش های علمی و عملیاتی انجام و زمینه های بروز رفتارهای خشونت آمیز کنترل و مدیریت شود. دولت مردان و حکمران ها در این منطقه و کشور، شایسته است سیاستگذاری منطقی و هدفمندی را برای برون رفت از شکاف های متراکم ایجاد شده در استان سیستان و بلوچستان تدارک بینند.

بر اساس مطالب مطرح شده و نظریات موجود، تأکید می شود که شکاف های اجتماعی در منطقه جنوب شرق، حالت متراکمی به خود گرفته است و در هر سه سطح مطرح شده توسط بارتولینی و مایر (سطوح ساختاری، هنجاری و کلان سیاسی) ظهور و بروز پیدا کرده است. لذا کنش سیاسی در قالب و قامت «خشونت سیاسی» که اشکالی مانند تروریسم، شرارت و ناآرامی های داخلی را در استان داشته است، نتیجه آن بوده است.

بر اساس نظریه محرومیت نسبی و نتایج پیمایش این رساله، احساسات قومی در جنوب شرق کشور و برساخته های ذهنی شکل گرفته اقوام در مورد خود و جهان اطراف، یکی از عوامل اصلی ناپایداری و منازعات سیاسی بوده است. مادامیکه حاکمیت نتواند احساس محرومیت نسبی و شاخص های عینی محرومیت نسبی را در این منطقه کاهش و برطرف نکند، انتظار کاهش خشونت سیاسی، امری غیرمعقول است.

طیف هایی از تروریسم و خشونت سیاسی در جنوب شرق را می توان از دریچه نظری «جنبش های اجتماعی» که خود را بدور از قدرت و حاکمیت مرکزی می بینند، تحلیل کرد. همچنین بر اساس مفاد نظریه ی محرومیت نسبی، تفاوت بین انتظارات و

آرزوها در عرصه اجتماعی و اقتصادی امری مهم است که تبعات و پیامدهای متنوعی را می‌تواند برای سیستم حکمرانی داشته باشد. عملی نشدن انتظارات در واقعیت می‌تواند باعث ایجاد احساس نارضایتی و در نتیجه طغیان شود. مؤکداً بر این موضوع این پژوهش صحنه می‌گذارد که در بسیاری از شکاف‌های اجتماعی استان، احساس شکاف فزاینده، بر وضعیت فعلی و عینی شکاف، چیرگی دارد. به عنوان مثال احساس تبعیض مذهبی، احساس محرومیت، احساس تبعیض قومی و سیاسی، فراتر از واقعیت شده است.

منابع فارسی

- آرت، ه. (۱۳۹۴). *خشونت و اندیشه‌هایی درباره سیاست و انقلاب*، ترجمه عزت اله فولادوند، تهران: خوارزمی.
- بابایی، م. و بلالی مهیاری، م. (۱۳۸۸)، «نقش طوایف شیعه بلوچ در امنیت منطقه بررسی موردی: ایرانشهر»، *فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی دانشگاه جامع امام حسین (ع)*، سال هشتم، شماره ۶۱.
- بشیریه، ح. و قاضیان، ح. (۱۳۸۰)، «بررسی تحلیلی شکاف‌های اجتماعی»، *پژوهشنامه علوم انسانی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی*، ش ۳۰، تابستان.
- خاتونی، م. و یزدانپناه، ک. و افضل، ر. و احمدی، س. (۱۴۰۰)، «بازنمایی سیاست‌های منطق‌های جمهوری اسلامی ایران در قبال تروریسم (مطالعه‌ای در حوزه ژئوپلیتیکی عمومی)»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ۲۲(۱).
- دلاوری، ا. (۱۳۷۸)، *الگوهای منازعه سیاسی در ایران*، پایان نامه دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- دلیرپور، پ. و سمیعی اصفهانی، ع. (۱۳۸۸)، *جامعه‌شناسی شکاف‌های اجتماعی*، تهران: نشر کویر.
- ذوالفقاری، ا. و پورمحمدی، م. (۱۳۹۴)، «تحلیل پیامدی جنبش‌های مردمی منطقه خاورمیانه از منظر گسترش شکاف مذهبی شیعه و سنی»، *فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، ۳(۷).
- شعبانی اصل، م. (۱۳۸۸)، «بررسی ساختارهای سیاسی اثرگذار بر امنیت سیستان و بلوچستان»، *فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی دانشگاه جامع امام حسین (ع)*، سال هشتم، شماره ۶۱.
- صادقی اول، ه. و حسینی اصیل، ی. (۱۳۹۸)، *جامعه‌شناسی سیاسی زایش تفکر منازعه آمیز داعش در عراق*، پژوهشنامه تاریخ سیاست و رسانه، ۲(۱).
- ضرغامی، ب. و انصاری زاده، س. (۱۳۹۱)، «تحلیل فرصت‌ها و تهدیدهای ژئوپلیتیکی قوم بلوچ از دیدگاه نظریه شکاف‌های سیاسی - اجتماعی»، *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، شماره ۳، پاییز ۹۱.
- طالبان، م. (۱۳۹۰)، «تحلیل بولی از اثر محرومیت نسبی بر خشونت سیاسی (مطالعه تطبیقی کشورهای مسلمان خاورمیانه)»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۴.
- فونتن، آ. (۱۳۶۴)، *تاریخ جنگ سرد*. ترجمه ی عبدالرضا هوشنگ مهدوی. نشر نو، تهران.
- قاراخانی، م. (۱۳۸۸)، «نوسازی و خشونت سیاسی: بررسی تطبیقی کشورهای اسلامی»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۴۵.
- کدخدایی، ع. ساعد، ن. (۱۳۹۰)، *تروریسم و مقابله با آن*، مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی ائتلاف جهانی علیه تروریسم برای صلح عادلانه، تهران: مجمع جهانی صلح.

- کید، ا. و والتر، ب. (۱۳۸۶)، *استراتژی های تروریسم، پژوهش نامه تروریسم و امنیت بین‌الملل*، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- محمدی، م. (۱۳۸۷)، *شکاف های اجتماعی و ایران*، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- محموداغلی، ر. و اصغری نیاری، ی. (۱۳۹۶)، «بررسی عوامل مؤثر بر خشونت سیاسی: مطالعه موردی جمعیت بلوچ در شهر زاهدان»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۶(۲۱)، ۹۶-۷۴.
- مونکلر، ه. (۱۳۸۴)، *جنگ‌های نوین*، ترجمه حسن درگاهی، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد دوره عالی جنگ.

منابع انگلیسی

- Amaechi, K. (2013), *A Comparative and Social Movement Study of Boko Haram and MEND*. Masters Thesis in MF Norwegian School of Theology.
- Bartolini, S. , Mair, P. (1990), *Identity, Competition and Electoral Availability*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Conteh-Morgan, E. (2004), *Collective Political Violence: an Introduction to the Theories and Cases of Violent Conflicts*. London & New York: Routledge .
- Franklin, M. (2009), *Epilogue*, in Mark N. Franklin, Thomas T. Mackie, and Henry Valen (eds.), *Electoral Change: Responses to Evolving Social and Attitudinal Structures in Western Countries, Classics in Political Science Edition*. Colchester: ECPR Press.
- Franklin, M. (2010), "Cleavage Research: A Critical Appraisal", *West European Politics*, 33:3, 648-658.
- Kaufmann, Ch. (1996a), "Possible and impossible solutions to ethnic civil wars", *International Security*, 20(4), pp. 136-175.
- Miller, A. and Wlezien, Ch. (1993), "The Social Group Dynamics of Partisan Evaluations", *Electoral Studies*, 12(3), 45.
- Miller, A. Hildreth, A. and Wlezien, Ch. (1991), "A eference Group Theory of Partisan Coalitions", *Journal of Politics*, 53:4, 1134-49.
- Miller, A. Lockerbie, B. (1992), *The United States of America*, in Mark N. Franklin, Thomas Mackie, and Henry Valen (eds.), *Electoral Change: Responses to Evolving Social and Attitudinal Structures in Western Countries, Classics in Political Science Edition*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Nilsson, A. (1999), *Peace in Our Time: Towards a holistic understanding of world society conflicts*. Padrigu, Dept. of Peace and Development Research, Gothenborg University.
- Rose, R. , Urwin, D. (1969), "Social Cohesion, Political Parties, and Strains in Regimes", *Comparative Political Studies*, 2, 7-67.
- Sambanis, N.(2000), "Partition as a solution to ethnic war: an empirical critique of the theoretical literature", *World Politics*, 52, pp. 437-483.

- Stroschein, Sh.(2005), "Examining ethnic violence and partition in Bosnia-Herzegovina", *Ethnopolitics*, 4:1, 49-64.
- Wahlström, M. ,Törnberg, A.(2019), "Social Media Mechanisms for Right-Wing Political Violence in the 21st Century: Discursive Opportunities, *Group Dynamics*, and Co-Ordination", *Terrorism and Political Violence*,33(1), 2-3.
- Webber, C. (2007), "Revaluating Relative Deprivation Theory," *Theoretical Criminology*. (2007): 97-120.